

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید (هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

محسن کیانی^۱

داریوش بوستانی^۲



10.22034/ssys.2023.2953.3158

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

این پژوهش، با هدف شناسایی بسترها و فرایندهای پدیده ازدواج سفید به‌عنوان سبک زندگی متفاوت در شهرهای تهران و کرج انجام شده است. روش‌شناسی تحقیق، کیفی و مبتنی بر روش نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شده است. در روند پژوهش ۱۷ نفر که دارای رابطه هم‌خانگی بودند، براساس نمونه‌گیری هدفمند و راهبردهای نمونه‌گیری با بیشترین تنوع و گلوله‌برفی انتخاب شدند. همچنین، از روش نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده گردید. از خلال کدگذاری داده‌ها، ۱۳ مقوله اصلی استخراج شد: آموزه‌های دینی در محاق و ادراک بحران اقتصادی به‌عنوان شرایط علی، معادله پذیرش و نفی و استیضاح و گذار از باکره‌گی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای، شبکه‌های مجازی تسهیل‌گر و واهمه از ازدواج رسمی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، طیف وفاداری؛ از تعهد تا تعلیق تعهد، آزمون سازگاری، انتخاب عقلانی فایده‌گرا و ساده‌سازی زندگی به‌عنوان فرایند، شکل‌گیری رابطه برابرگرایانه، استهلاک مردسالاری و رضایت‌مندی به‌عنوان پیامدهای ازدواج سفید. در آخر، مقوله «ازدواج سفید به‌مثابه گریزگاه انتخابی» به‌عنوان مقوله هسته انتخاب گردید.

واژگان کلیدی: ازدواج سفید، سبک زندگی، جوانان، گریزگاه انتخابی، تهران و کرج.

^۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mh_kiani@yahoo.com

^۲ - دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

مقدمه

ماهیت ازدواج و کارکردهای خانواده، متأثر از تغییرات تجربه شده در جامعه تغییر کرده است (Wolcott, 1999: 24). مهم‌ترین این تغییرات شامل کاهش میل به تشکیل خانواده و ازدواج، کاهش نرخ باروری، افزایش موالید خارج از ازدواج، افزایش آمار طلاق، تأخیر در ازدواج و فرزندآوری و افزایش روابط موسوم به هم‌خانگی است (Beck et al, 2002: 193). ازدواج سفید (هم‌خانگی)^۱ رابطه‌ای است که مرد و زن با مبنای دائمی بودن با یکدیگر زندگی می‌کنند بدون آنکه رابطه آنها به صورت رسمی ثبت شود (Beinarovica, 2013: 2). تقسیم هزینه‌ها، ایجاد فضایی برای لذت‌بردن و اختصاص زمان بیشتر برای باهم بودن، از ویژگی‌های ازدواج سفید (هم‌خانگی) است (Smock, 2006: 8). از نظر تاریخی، ازدواج سفید (هم‌خانگی)^۲ بدون منجر شدن به ازدواج رسمی در میان اقشار پایین جامعه که ازدواج برای آنها مزایای اجتماعی، حقوقی یا اقتصادی کمی داشت، بیشتر رایج بود (Ermisch, 2005: 29). از دهه ۱۹۶۰ به بعد، در اروپا نه فقط افرادی با شرایط اجتماعی خاص، بلکه گروه‌های متفاوتی از مردم به سمت این شکل از رابطه رفتند و به تدریج هم‌خانگی در میان بیشتر طبقات و گروه‌های اجتماعی رواج یافت (Carmichael, 1995: 62). در این میان، فرایند تغییر نگرش به ازدواج و شیوع روزافزون هم‌خانگی از رفتاری انحرافی و ناپه‌نچار به رفتاری بهنجار و عادی تغییر معنا داد (Heuveline & Timberlake, 2004: 1216). گسترش هم‌خانگی در اروپا که در میانه دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، در مرحله اول در شمال این قاره و در کشور سوئد به وقوع پیوست و پس از مقبولیتی که در این کشور پیدا کرد، در مرحله دوم، گسترش بیشتری یافت و در دهه ۱۹۷۰ به کشورهای مرکز اروپا مانند فرانسه، اتریش، سوئیس، آلمان، هلند، و انگلستان اشاعه یافت. سپس در مرحله سوم از حیات تاریخی خویش، در اوایل دهه ۱۹۸۰ به جنوب اروپا و کشورهایی چون ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، و یونان انتقال یافت (Loffler, 2009: 16). گسترش هم‌خانگی در کشورهای غربی به مثابه شکل جدید از خانواده، مهمترین تغییر در الگوی خانواده در ۵۰ سال اخیر بوده است (Nazio, 2008: 3). شواهد اولیه نشان می‌دهد که با کاهش نرخ ازدواج و افزایش زندگی مشترک، نگرش نسبت به ازدواج در مورد هم‌خانگی در طول زمان به طور قابل توجهی تغییر کرده

^۱ از آن جا که در جامعه ایران این سبک از هم‌خانگی به «ازدواج سفید» شناخته شده است، در این پژوهش از این مفهوم استفاده می‌شود.

^۲ Cohabitation

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

است (Sassler & Lichter, 2020: 41). میانگین مدت زمان زندگی مشترک از بیش از چهار سال در فرانسه تا بیش از یک سال در آمریکا متغیر است (Raymo, 2008: 3). در سال ۱۹۷۰ تعداد زوج‌های مختلف که با هم زندگی مشترک داشتند، از ۱/۶ میلیون نفر به ۷/۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت و در سال ۲۰۱۸ به ۸/۵ میلیون نفر رسید (Sassler & Lichter, 2020: 38). تجزیه و تحلیل داده‌های ایالات متحده از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که حدود ۱۶ درصد از افراد ۱۸ تا ۴۴ ساله با هم زندگی مشترک داشتند (Nugent & Daugherty, 2018). طبق داده‌های ملی سالانه بریتانیا، تعداد کل زوج‌هایی که بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۰ با هم زندگی مشترک داشتند، دو برابر شده است و از حدود ۱/۵ میلیون نفر در سال ۱۹۹۶ به حدود ۳/۴ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ رسیده است (Fairbairn, 2021: 6). هم‌چنین گرایش به ازدواج سفید (هم‌خانگی) به عنوان یک زمینه آزمایشی برای ازدواج در بین دانش آموزان سال آخر دبیرستانی در طول زمان افزایش یافته و از ۴۰ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۶۹ درصد در سال ۲۰۲۰ رسیده است (Brown, ۲۰۲۰). تحقیقات نشان داده است که تنها حدود یک سوم زوج‌هایی که با هم رابطه هم‌خانگی دارند، پس از سه سال رابطه‌شان باقی خواهند ماند (Lawson, 2019: 20). در مورد گسترش زندگی مشترک در آسیا اطلاعات چندانی در دست نیست (Wilk, 2022: 2). در دهه‌های اخیر، خانواده‌ها در چین، ژاپن و کره جنوبی تغییرات سریعی را در بسیاری از جنبه‌های زندگی خانوادگی تجربه کرده‌اند؛ سن ازدواج افزایش یافته و تعداد فزاینده‌ای از جوانان، قبل از ازدواج با هم زندگی می‌کنند (Park, 2021: 982). در فیلیپین نیز روند مشابهی از افزایش هم‌خانگی دیده شده است. بیش از دو و نیم میلیون زوج فیلیپینی رابطه هم‌خانگی داشته‌اند (Williams et al, 2007: 1245). در هند هم زندگی مشترک رایج‌تر شده و جوانان ترجیح می‌دهند تا از تعهدات و پیامدهای ازدواج صرف‌نظر کنند (Premchand et al, 2018: 4). در ایران با توجه به غیر قانونی بودن ازدواج سفید، آمار قابل استنادی از وجود و یا کمیت آن در دست نیست، ولی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که این روابط از مدت‌ها قبل وجود داشته و نمی‌توان منکر شکل‌گیری این گونه روابط شد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱؛ گلچین و همکاران، ۱۳۹۵؛ احمدی، و اعتمادی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸). اهمیت این موضوع از آن روی است که زندگی در کلان‌شهرها راحتی و آزادی به دنبال دارد که سبب جذب جوانان از شهرهای کوچک به این شهرها می‌شود. کلان‌شهر تهران ترکیبی از اقوام و شیوه‌های زندگی را در خود جای داده و به عنوان دروازه تجدد ایران بیش از سایر شهرها در معرض تغییرات ساختاری قرار گرفته و به عنوان پایتخت و تأثیرپذیری از تحولات جهانی و ارتباطات فزاینده با غرب و گسترش آن از طریق ارتباطات گسترده میان فرهنگی به‌ویژه از طریق رسانه‌های جهانی مانند ماهواره و اینترنت باعث ظهور و رواج پدیده ازدواج سفید در دهه اخیر در میان جوانان شده است. هم‌چنین تحولات ناشی از مدرنیزاسیون

و هم‌جواری کرج با کلان‌شهر تهران و نیز دسترسی به مراکز اشتغال صنعتی و اداری و جذب جمعیت مهاجر سبب گذشته تا کرج طی حدود نیم قرن گذشته از یک شهر کوچک با ساختارهای ساده و سنتی به یک کلان‌شهر با جمعیت متنوع به لحاظ قومی تبدیل شود و توانسته تجربه زیست جهان‌های متعددی را برای اهالی این شهر فراهم سازد. بنابراین، با توجه به تغییرات اجتماعی-اقتصادی رخ داده در دنیای مدرن که منجر به تغییر در بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شده و بر الگوی ازدواج تأثیر گذاشته است. در دهه‌های اخیر شاهد رواج ازدواج سفید به‌عنوان یک مساله اجتماعی در جامعه مدرن شهری هستیم. در این راستا مسئله پژوهش حاضر این است:

- چه شرایط و بافتاری بر الگوی ازدواج سفید به‌عنوان سبک زندگی متفاوت در تهران و کرج نفوذ دارند؟
 - ماهیت و فرایند این شکل از زندگی چگونه است؟
 - این سبک زندگی چه پیامدهایی در بردارد؟
- چیت‌ساز (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی وضعیت هم‌باشی در ایران: فراترکیب پژوهش‌های هم‌باشی» که با روش فراترکیب انجام شده است به این نتیجه رسید که هم‌باشی در ایران در میان طبقات متوسط شهری، گروه‌های سنی جوان و تحصیل‌کردگان دانشگاهی رواج یافته است.
- احمدوند شاهرودی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «واکاوی پدیدارشناسانه هم‌باشی (ازدواج سفید) (مورد مطالعه: جوانان شهر تهران)» به این نتیجه رسیدند که ازدواج سفید رابطه‌ای آزادانه و در عیت حال متعهدانه است که همراه با فرآیند گذار به سمت مدرنیته بیش از گذشته به‌عنوان یک سبک زندگی جایگزین ازدواج یا پیش از ازدواج در دسترس برخی جوانان شهر تهران گرفته است.
- امجدی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «برساخت اجتماعی ازدواج سفید» که با روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است، از خلال کدگذاری و تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدند که مقوله‌های کمبودها و نیازهای عاطفی، عدم نظارت خانواده بر روابط فرزندان و طرد آنان، تسهیل روابط دختران و پسران در کلان‌شهر، بالا رفتن سن مجرد در زنان به‌عنوان مقوله علی، تصمیمات عاطفی و هیجانی، خود اظهاری به‌عنوان راهبرد، کیفیت تعاملات و روابط زوجین، استقلال عاطفی و مالی زنان، الگوبرداری از فرهنگ غربی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، بی‌رغبتی به ازدواج دائم، پنهان‌کاری و دروغ به‌عنوان پیامدهای این نوع از زندگی تعیین شدند.

نتایج پژوهش اکبرزاده و هاشمیان‌فر (۱۳۹۸) با عنوان «از اخلاق متعارف تا اخلاق عرفی؛ گونه-شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید» نشان می‌دهد که تعهد در ازدواج سفید، طیفی از اخلاق متعارف تا

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

اخلاق فراعرفی را دربر می‌گیرد که در یک سر طیف معنای عرفی‌اش قرار دارد که برگرفته از هنجارها و ساختارهای مسلط بیرونی بوده و قواعد مرسوم در روابط زناشویی رسمی در این سنخ حاکم است. سنخ شناسایی شده در دامنه دیگر طیف، تعهد به منزله اخلاق فراعرفی است که ناظر بر روابط برابری‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و غیر متأثر از ایدئولوژی‌های فرهنگی است و معنایی درونی‌شده‌تر، فردی‌شده‌تر و خودگزیده‌تر دارد.

ویک (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان «اولین شکل‌گیری اتحادیه در میان فرزندان مهاجران: یک مطالعه جمعیتی در نروژ» که با استفاده از داده‌های ثبتی کل افرادی که قبل از ۱۸ سالگی متولد شده یا مهاجرت کرده بودند، تفاوت‌ها را در تشکیل اولین اتحادیه در میان نسل‌های مهاجر، مناطق جهانی مبدا و جنسیت مورد بررسی قرار داده است. نتایج شواهدی مبنی بر یک شیب نسلی در ازدواج فراهم کرد که به موجب آن، کودکان بومی متولد شده دو مهاجر و آنهایی که در سنین زیر ۱۳ سال مهاجرت کرده بودند، نسبت به مهاجرانی که به سن نوجوانی رسیده بودند با احتمال کمتری ازدواج می‌کردند. آنهایی که با یک والدین بومی و مهاجر به دنیا آمده‌اند، کمترین احتمال ازدواج، اما بیشترین احتمال زندگی مشترک را داشتند. هم‌چنین فرزندان مهاجرانی که اصالتاً از آسیا، خاورمیانه و شمال آفریقا و اروپای شرقی نشأت می‌گیرند، بیشتر مستعد ازدواج بودند، درحالی‌که فرزندان با منشا آمریکای جنوبی و اروپا بیشتر از سایرین مستعد زندگی مشترک بودند.

سو و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «کاوش در ساختارهای متنوع خانواده در کره جنوبی: تجارب و دیدگاه‌های افراد غیر از ازدواج در زندگی مشترک» به این نتیجه رسیدند که زندگی مشترک در کره جنوبی هم‌چنان با تبعیض مواجه است. هدف این مطالعه نیز به تصویر کشیدن تجربه، ادراکات و دیدگاه‌های افرادی که زندگی مشترک غیرازدواجی را تجربه کرده‌اند، بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که انتخاب زندگی مشترک به‌عنوان جایگزینی برای ازدواج ارزش‌های مترقی داشته است.

استر و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تغییر در ثبات اولین زندگی مشترک قبل از ازدواج در بین زنان ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۸۳» نشان دادند که کسانی که بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۳ زندگی مشترک داشتند به طور متوسط ۱۸ ماه بیشتر از کسانی که در اواسط دهه ۱۹۸۰ زندگی مشترک داشتند، مدت زمان زندگی مشترک‌شان به طول انجامیده و به طور متوسط ۱۲ ماه طول کشیده است.

هایکل و کیزر (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «ریسک حداقلی یا تعهد حداکثری؛ گروه کانونی از هم‌بالین‌ها و زوج‌های رسمی هلندی» به بررسی درک شهروندان هلندی در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های هم‌بالینی و ازدواج رسمی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از پاسخ‌دهندگان شباهت‌ها و

تفاوت‌های هم‌بالینی و ازدواج رسمی را در بافتی مشاهده می‌کنند که در آن میزان طلاق زیادی وجود دارد و اغلب هم‌بالینی را به‌عنوان یک راهبرد برای کاهش ریسک طلاق می‌دانند. همچنین ازدواج رسمی نیز به‌عنوان توافقی قانونی دیده می‌شود که نماد تعهد فزاینده است.

بررسی خلاصه نتایج تحقیقات نشان می‌دهد عواملی مانند آمار بالای طلاق، بالا رفتن سن تجرد در زنان، تسهیل روابط دختران و پسران در کلان‌شهرها، عدم نظارت خانواده بر روابط فرزندان، الگوبرداری از فرهنگ غربی، ضعیف‌شدن آموزه‌های دینی و شدت گرفتن تمایل به تحصیل به‌عنوان مهمترین عوامل تاثیرگذار بر ازدواج اشاره شده است. اما به نظر می‌رسد ابعاد مختلف این سبک از زندگی هنوز به‌طور کامل آشکار نشده و نیاز به مذاقه بیشتری دارد؛ ابعادی از قبیل ماهیت روابط افراد، الگوهای وفاداری و حتی توزیع و تفاوت سنی افراد نیاز به کندوکاو دارد.

جامعه‌شناسان بزرگی هم‌چون آنتونی گیدنز، اولریش بک، بک گرنسهایم و زیگنوت باومن به نظریه‌پردازی درباره روابط شخصی در عصر مدرن روی آوردند و آثار مشهوری و تاثیر گذاری چون: «تحول صمیمیت»^۱، «آشوب طبیعی عشق»^۲ و «عشق سیال»^۳ را خلق کردند. از نظر آن‌ها حوزه روابط شخصی و خانوادگی در دهه‌های اخیر به‌طور کلی دستخوش دگرگونی‌هایی عمیق شده است. این دگرگونی‌های عمیق از نظر آن‌ها پیامد مدرنیته و بنیان‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن هم‌چون صنعتی‌شدن، سنت‌زدایی، فردی‌شدن، و خود بازانندیشی و غیره است (Van hoof, 2017: 852).

آنتونی گیدنز

گیدنز درباره روندهای اجتماعی در روابط جنسی، عشق و صمیمیت در طول زمان بحث می‌کند و نشان می‌دهد که عشق، یک برساخت اجتماعی است که به‌صورت تاریخی تکامل می‌یابد. براساس نظر گیدنز، امروزه پدیده عشق مدرن بروز کرده است که از عشق به معنای افلاطونی آن که ابژه‌ای متفاوت، ماهیتی فرافردی و متافیزیکی، غیرسکسوالیته و یک طرفه دارد، کاملاً متفاوت است. بنابراین می‌توان گفت که ما در عصر حاضر با پدیده تغییر شکل صمیمیت مواجهیم (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۲). گیدنز در کتاب «دگرگونی صمیمیت»، چهار مدل عشق را مشخص می‌کند: ۱- عشق شهوانی ۲- عشق رمانتیک ۳- عشق توامان ۴- عشق ناب. در واقع گیدنز در کتاب «دگرگونی صمیمیت»، به روندی اشاره می‌کند که آغاز آن عشق شهوانی است و سپس عشق رمانتیک و عشق توامان در روابط شخصی می‌رسد و سرانجام به رابطه ناب ختم می‌شود (ابراکرامی، ۱۳۸۸: ۵۳). در این نوع رابطه که کیفیت رابطه و رضایت از آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

¹ The Transformation of Intimacy

² The Normal Chaos of Love

³ Liquid Love

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

است، تأثیر تعهدات بیرونی بر بقای رابطه به حداقل می‌رسد. رابطه ناب منجر به نوعی رضایت فردی و درونی می‌شود که کاملاً از نفس رابطه برخاسته است و به هیچ عاملی بیرون از خود وابسته نیست و وجود این رضایت، شرط بقا و ماندگاری رابطه است. در این ارتباط، احساس تعهد به طرف دیگر رابطه و به خود فرایند ارتباط از اهمیت زیادی برخوردار است. با وجود این، هر یک از طرفین رابطه می‌تواند و باید استقلال شخصی خود را حفظ کند و به ارزش‌ها و باورهای فردی‌شان اعتماد داشته باشد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۲-۱۳۹). هرچند گیدنز عبارت «رابطه ناب» را درباره وضعیت ازدواج در دنیای مدرن به کار می‌برد، اما می‌توان ویژگی‌های این رابطه‌ها را برای تبیین بهتر الگوهای مشابه ازدواج، هم‌چون ازدواج سفید نیز به کار برد. در این شکل از رابطه، عشق رمانتیک و نه الزام‌های اجتماعی دوران سنتی، طرفین را به سوی یکدیگر جذب می‌کند. هم‌چنین قواعد بیرونی، الزامی برای متعهد ماندن ایجاد نمی‌کنند و زوجین به یکدیگر تعهد درونی دارند. هم‌چنین در این سبک زندگی، طول مدت رابطه، از پیش تضمین شده نیست و رابطه تا هنگامی که مطلوبیت داشته باشد، ادامه می‌یابد و تضمینی برای زیستن در کنار یکدیگر در آینده به صورت از پیش تعیین‌شده و رسمی وجود ندارد (گلچین و صفری، ۱۳۹۶).

اولریش بک و الیزابت بک - گرنشایم

به باور بک، فردی‌شدن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی دوره جدید است که او آن را «مدرنیته متاخر» نامیده است. بک فردی‌شدن را مجموعه‌ای از تحولات ساختاری می‌نامد که منجر به افول نهادهای اجتماعی نظیر مذهب، دولت، طبقه اجتماعی و خانواده و نیز مفاهیمی چون جنسیت شده است. وی معتقد است که انسان جامعه مدرن، اگرچه از قید و بند نهادهای جامعه سنتی رهایی یافته، اما دوباره اسیر استانداردهایی شده است که مدرنیته بر او تحمیل می‌کند. بک از فرایندهایی فردی‌شدن مایوس نمی‌شود و استدلال می‌کند اگر چه این فرایندها در عرصه عمومی جامعه مدرن به فردگرایی ختم نمی‌شود، اما در حوزه‌هایی دیگر نظیر حوزه خانواده می‌توان این فردگرایی را مشاهده کرد. بر همین اساس، بک در توصیف فردی‌شدن عرصه خانواده بر افول هنجارها و ارزش‌هایی تأکید دارد که رابطه زن و مرد را تعریف و تحمیل می‌کردند. اولریش بک با تأکید بر مسائلی چون افزایش آمار طلاق و افزایش روابط جنسی خارج از قواعد ازدواج، استدلال می‌کند که رابطه زن و مرد در جامعه غرب دگرگون شده است؛ به این ترتیب که این رابطه پیش از آنکه از سوی نهادهای بیرونی تعریف شود، محصول خواسته‌های فردی است (Beck & Beck – Ger, 2002: 195). اولریش بک و الیزابت بک - گرنشایم در کتاب «آشوبگاه طبیعی عشق» به بررسی ماهیت پرتلاطم روابط بین شخصی ازدواج‌ها و الگوهای خانوادگی در پس‌زمینه دنیای به سرعت دگرگون شونده فعلی می‌پردازند. به استدلال آن‌ها، سنت‌ها و قواعد و رهنمودهایی که بر روابط شخصی حاکم بود،

دیگر کاربردی ندارند و اکنون افراد با سلسله بی‌پایانی از انتخاب‌ها روبه‌رو هستند که بخشی از بنا ساختن، تنظیم و تعدیل و بهبودبخشیدن یا خاتمه دادن به پیوندهایی است که با یکدیگر تشکیل می‌دهند... آن‌ها دوره ما را دوره‌ای آکنده از منافع متضاد خانواده، کار، عشق و آزادی برای تعقیب اهداف فردی می‌دانند... مجموعه متنوعی از مسائل اکنون پیش روی زوج‌های مدرن است... بک و بک گرنشایم ادعا می‌کنند که کشاکش میان دو جنس مجرای اصلی زمان ماست. بنا به ادعای آن‌ها، نبرد جنس‌ها که امروزه در جریان است، واضح‌ترین نشانه عطش عشق مردم است. مردم به دلیل عشق ازدواج می‌کنند و به دلیل عشق نیز جدا می‌شوند؛ آن‌ها درگیر چرخه بی‌پایانی از امید بستن، پشیمان شدن و تلاش دوباره‌اند در حالی که از یک طرف تنش‌های میان مردان و زنان بسیار زیاد است و از طرف دیگر امید و ایمان ژرفی به امکان یافتن عشق حقیقی و تحقق یافتن آن وجود دارد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۵۹).

زیگمونت باومن

زیگمونت باومن در کتاب «عشق سیال» به بررسی روابط انسانی میان زنان و مردان می‌پردازد و بر شکنندگی این پیوندهای انسانی در دوران مدرن تأکید می‌کند. در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه‌اند، اما در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط همیشگی آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آن‌ها را سلب نماید. انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند، اما تنها با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش در جامعه سیال مدرن؛ افراد به جای پیوندهای ناگسستنی و همیشگی خواهان پیوندهای سست و بی‌قیدوبند هستند (همان، ۱۱-۱۰). با توجه به آن‌که قوای نیرومند بازار مصرفی، عمل براساس خواسته‌ها را به جزئی از رفتار روزانه تبدیل کرده است، مردم جامعه سیال مدرن، رابطه را نوعی سرمایه-گذاری می‌دانند و به دلایل سودگرایانه مانند کمک سریع در موقع نیاز، یاری در هنگام اندوه، همراهی در تنهایی، تسلی در هنگام شکست، تحسین هنگام پیروزی، فرار از ناراحتی و ارضای سریع یک نیاز مانند نیاز جنسی با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه انتظار دستیابی به سود را دارند (باومن، ۱۳۸۷: ۳۷). به زعم باومن، سرمایه‌گذاری در رابطه خطرناک است، زیرا یک رابطه هم دارای جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی است و نمی‌توان رابطه را تنها تا زمانی خواست که برای فرد مطبوع باشد. اکثر اوقات این جنبه‌های خوب و بد هم‌زمان در رابطه وجود دارند. در موقعیت سیال مدرن، روابط شاید شایع‌ترین نمونه ناهمخوان، تناقض و چندگانگی‌اند (باومن، ۱۳۸۷: ۱۵).

روش‌شناسی پژوهش

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای^۱ اشتراوس و کوربین استفاده شده است. روش اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته است. جهت انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ و از دو راهبرد نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و گاهی هم از گلوله‌برفی نیز استفاده گردیده است. هم‌چنین، از روش نمونه‌گیری نظری^۳ برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش بهره‌گیری شده است (Glaser, et al, 1976, Johnson, 1989). مدت زمان مصاحبه‌های انجام شده، با توجه به موقعیت، روند مصاحبه و تمایل مشارکت‌کنندگان از ۵۰ تا ۹۵ دقیقه متغیر بوده و طی ماه‌های مهر ۱۳۹۹ تا تیرماه ۱۴۰۲ انجام شده است. گفتنی است با هر مشارکت‌کننده، بیش از یک بار مصاحبه به عمل آمده و در پاره‌ای موارد بیش از سه بار مصاحبه انجام شده است. پس از بررسی مصاحبه‌ها، تحلیل داده‌ها بر اساس ساختار اصلی در نظریه زمینه‌ای در قالب مراحل سه‌گانه کدگذاری باز^۴، محوری^۵ و انتخابی^۶ انجام گردید. کدگذاری باز، یعنی فرایند خردکردن، بررسی، مقایسه، مفهوم‌پردازی و طبقه‌بندی داده‌ها (Glaser & Strauss, 1990: 61). در این شکل از کدگذاری، فرضیه‌های مقدماتی درباره شیوه‌های ممکن مرتبط کردن کدها در ابعاد مشخص مطرح می‌شود و در نتیجه داده‌های مشابه گروه‌بندی و نام‌گذاری می‌شوند. در کدگذاری محوری، از طریق مقایسه مفاهیم با یکدیگر، محورهای مشترک دیگری یافت می‌شود که به آنها «مقوله (طبقه)» اطلاق می‌شود. در واقع، مقوله‌ها از طریق فرایند تحلیل و مقایسه مفاهیم بر مبنای شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آنها خلق می‌شوند (Pandit, 1996). در این مرحله محقق با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک را در قالب یک مقوله واحد قرار می‌دهد. سپس این مقولات به صورت یک زنجیره محوری در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و با همدیگر ارتباط می‌یابند. کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله را محوری انتخاب می‌کند؛ به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، آن روابط را اثبات می‌کند و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، تکمیل می‌کند (Strauss & Corbin, 1990). در این مطالعه برای کسب اطمینان از صحت داده‌ها، از دو تکنیک مرسوم استفاده شده است. ۱- کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضا^۷: در این روش، از سوژه‌ها خواسته شد تا مضامین و مقوله‌ها را ارزیابی کنند و درباره صحت آنها نظر دهند. ۲- استفاده از

¹ Grounded Theory

² Purposive Sampling

³ Theoretical Sampling

⁴ Open Coding

⁵ Axial Coding

⁶ Selective Coding

⁷ Member Check

تکنیک ممیزی^۱: در این روش دو محقق به‌منزله ممیز بر مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

ملاحظات اخلاقی تحقیق

محقق قبل از انجام هر مصاحبه، مصاحبه‌شونده را با موضوع و اهداف تحقیق آشنا می‌کرد و در مورد محرمانه ماندن نام مصاحبه‌شوندگان و درج نشدن نام آن‌ها در هیچ کجا، هم‌چنین در مورد پاک شدن نوارهای ضبط شده به مصاحبه‌شوندگان اطمینان کامل می‌داد. با این حال در روند مصاحبه هر کجا افراد تمایل به ضبط صدا نداشتند، محقق به یادداشت‌کردن جریان مصاحبه اکتفا نموده است. همه مشخصات مربوط به این افراد در این بخش انتخابی و از نام مستعار استفاده شده است تا هویت آنان پنهان بماند.

ویژگی‌های عمومی مشارکت‌کنندگان

میدان مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۱۷ نفر از مردان و زنان کلان‌شهر تهران و کرج می‌باشند که سابقه ازدواج سفید داشتند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، ۸ نفر از مشارکت‌کنندگان زن و ۹ نفر مرد هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۹/۱۷ سال است. برخلاف توزیع سنی زنان و مردان در جامعه، در این پژوهش سن زنان سه سال بیشتر از مردان است. این نسبت برای زنان ۴۰/۷۵ و برای مردان ۳۷/۶۶ سال می‌باشد. هم‌چنین دامنه سنی پاسخگویان بین ۲۹ تا ۴۲ ساله بوده و دارای تحصیلات دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشند. از نظر وضعیت سکونت، همه مشارکت‌کنندگان مستأجر بودند. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، ۱۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان (۸ نفر مرد و ۴ نفر زن) سابقه طلاق دارند و ۵ نفر (۱ مرد و ۴ زن) سابقه ازدواج رسمی نداشتند. هم‌چنین، یافته‌های جدول بیانگر آن است که سابقه ازدواج سفید در بین مشارکت‌کنندگان، از ۱ سال تا ۷ سال متغیر بوده و میانگین سال‌های ازدواج سفید در بین پاسخگویان ۲/۶۴ سال بوده است. در ضمن تجربه ازدواج سفید در بین مردان بیشتر از زنان است. در بین مشارکت‌کنندگان یک خانم چهار بار و یک آقا سه بار اقدام به ازدواج سفید داشته است. بقیه مشارکت‌کنندگان، فقط یک بار ازدواج سفید را گزارش داده‌اند:

جدول ۱: مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان پژوهش

¹Auditing

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

ردیف	نام	جنسیت	سن	میزان تحصیلات	شغل	سابقه طلاق	سابقه ازدواج سفید(سال،ماه)	فراوانی سابقه ازدواج سفید	وضعیت سکونت
۱	علی	مرد	۳۹	لیسانس	مهندس عمران	دارد	۴ سال	اولین بار	مستاجر
۲	حسن	مرد	۳۸	لیسانس	مدرس آموزشگاه	ندارد	۳ سال و نیم	اولین بار	مستاجر
۳	سمانه	زن	۴۱	لیسانس	کارمند	ندارد	۲ سال	اولین بار	مستاجر
۴	رضا	مرد	۴۱	فوق لیسانس	کارمند	دارد	۷ سال	اولین بار	مستاجر
۵	فرشته	زن	۳۸	فوق لیسانس	معمار	ندارد	۲ سال	اولین بار	مستاجر
۶	روژان	زن	۴۲	فوق لیسانس	مدرس زبان	ندارد	۱ سال	چهارمین بار	مستاجر
۷	شهرلا	زن	۴۲	دکتری	مدرس دانشگاه	دارد	۲ سال	اولین بار	مستاجر
۸	مهدی	مرد	۳۷	لیسانس	خدمات کامپیوتر	دارد	۲ سال	سومین بار	مستاجر
۹	مصطفی	مرد	۲۹	دیپلم	نمایشگاه- دار	دارد	۶ سال	اولین بار	مستاجر
۱۰	شهرام	مرد	۴۰	لیسانس	کارمند	دارد	۲ سال	اولین بار	مستاجر
۱۱	فرناز	زن	۴۱	لیسانس	کارمند	دارد	۲ سال و نیم	اولین بار	مستاجر
۱۲	صادق	مرد	۳۹	لیسانس	آزاد	دارد	۲ سال	اولین بار	مستاجر

۱۳	آشنا	مرد	۳۸	لیسانس	بنکدار	دارد	۲ سال	اولین بار	مستاجر
۱۴	بهار	زن	۴۱	لیسانس	هتل داری	ندارد	۲ سال و نیم	اولین بار	مستاجر
15	فرزاد	مرد	۳۸	لیسانس	حسابدار	دارد	۲ سال و نیم	اولین بار	مستاجر
۱۶	ناهید	زن	۴۲	فوق لیسانس	مدرس دانشگاه	دارد	۱ سال و نیم	اولین بار	مستاجر
17	پانید	زن	۳۹	لیسانس	کارمند	دارد	۱ سال و نیم	اولین بار	مستاجر

یافته‌های پژوهش

در جریان تحلیل و کدگذاری داده‌ها، ۱۳ مقوله اصلی استخراج گردید. مقوله‌های آموزه‌های دینی در محاق و ادراک بحران اقتصادی از جمله مهمترین شرایط علی در این پژوهش می‌باشند. دو مقوله، معادله پذیرش و نفی و استیضاح و گذار از باکره‌گی از شرایط زمینه‌ای و مقولات شبکه‌های مجازی تسهیل‌گر و واهمه از ازدواج رسمی از شرایط مداخله‌گر در این مطالعه هستند. هم‌چنین مقولات طیف وفاداری از تعهد تا تعلیق تعهد، آزمون سازگاری، انتخاب عقلانی فایده‌گرا و ساده‌سازی زندگی در فرایند قرار می‌گیرند. از نتایج و پیامدهای این مطالعه می‌توان به شکل‌گیری رابطه برابرگرایانه، استهلاک مردسالاری و رضایت‌مندی اشاره کرد.

مفاهیم، مقولات، نوع مقوله و مقوله هسته مستخرج از داده‌های کیفی

مفاهیم	مقولات	نوع مقوله	مقوله هسته
عدم اعتقاد به قوانین دست و پاگیر شرعی،		عدم پای‌بندی به ارزش‌های دینی و مذهبی،	عدم اعتقاد به قوانین دست و پاگیر شرعی،
عدم پای‌بندی به ارزش‌های دینی و مذهبی،	آموزه‌های دینی در محاق	عدم پای‌بندی به ارزش‌های دینی و مذهبی،	عدم پای‌بندی به ارزش‌های دینی و مذهبی،
عدم باور به اعتقادات دینی در مسائل جنسی،		عدم باور به اعتقادات دینی در مسائل جنسی،	عدم باور به اعتقادات دینی در مسائل جنسی،
عدم توجه به محرم بودن در رابطه با جنس مخالف		عدم توجه به محرم بودن در رابطه با جنس مخالف	عدم توجه به محرم بودن در رابطه با جنس مخالف

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

ادراک بحران اقتصادی	احساس ناامنی اقتصادی، درآمد کم، افزایش هزینه -
	های زندگی، ناامنی شغلی
سابقه هجرت	جذابیت شهر مقصد، کاهش میزان سازگاری با
	فرهنگ شهر مبدأ، گمنامی، بی نظارت بودن کلان -
ترس از تنهایی	شهرها، سهولت تهیه مسکن در کلان‌شهرها
	ترس از طردشدن، رهایی از تنهایی و بدبینی‌های
تحصیل‌کردگان سفید	جامعه، افزایش سن، کاهش شانس ازدواج، احتمال
	تجرد قطعی
استیضاح و گذار از باکره‌گی	تجربه زندگی در دانشگاه، افزایش تعامل با شبکه
	همسالان، شکل‌گیری شیوه‌های جدید آشنایی،
معادله‌های پذیرش و نفی / آشکار و پنهان - سازی	نوگرایی و تاثیر الگوی غربی زندگی
	بی‌اهمیت بودن باکره‌گی در ازدواج سفید، بی -
ساده‌سازی زندگی	اهمیت‌بودن باکره‌گی در ازدواج مرسوم، عدم اعتقاد
	به باکره‌گی در نوع ازدواج
سیالیت نامتعارف سن	عدم اطلاع خانواده از ازدواج سفید، پذیرش / عدم
	پذیرش از سوی خانواده و جامعه، عدم حمایت
فناوری‌های تسهیل‌گر	خانواده از فرد، حمایت سیال، تابو بودن ازدواج
	سفید در بین طبقات اجتماعی پایین
واهمه از ازدواج رسمی	شروع زندگی ساده، اپوخته تعهدات
	عدم اعتقاد به تفاوت سنی، بی‌اهمیت‌بودن فاصله
ماداخله‌گر	سنی، بی‌اهمیت‌بودن تفاوت سنی در انواع ازدواج
	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، شبکه‌های
واهمه از ازدواج رسمی	ماهواره‌ای، نرم‌افزارهای یابنده جنس مخالف، تلفن
	همراه و چت‌روم‌های اینترنتی
ازدواج، ترس از ازدواج	طلاق در ازدواج قبلی، تجربه ناخوشایند رابطه
	قبلی، افزایش طلاق در جامعه، کاهش اهمیت

طیف وفاداری؛ از تعهد تا تعلیق تعهد	خیانت / عدم خیانت در رابطه، پایداری در رابطه، سیال بودن و ناپایداری در رابطه، تعهد / عدم تعهد در رابطه، بازنگری در تعاملات عاطفی و جنسی، تعدد در رابطه جنسی، آشکارسازی / پنهان کاری خیانت. وفاداری در رابطه
۳۱	آسان بودن ورود و خروج رابطه، کاهش هزینه‌های جدایی و ریسک طلاق، عدم دخالت خانواده‌ها در رابطه، انحلال بی‌دردسر، آزادی در انتخاب، فایده- گرایی و احساس راحتی
آزمون سازگاری	آمادگی برای ازدواج، کسب شناخت، افزایش زمان باهم بودن، زندگی آزمایشی، آزمون سازگاری با یکدیگر تعامل با گروه دوستان ازدواج سفید، معاشرت با
برساخت شبکه روابط جدید	گروه دوستان مجرد، عدم مرادده با شبکه خویشاوندی، تجربه ازدواج سفید در دوستان، حمایت‌گری گروه دوستان، اطلاع داشتن دوستان
شکل‌گیری رابطه برابری	اعتقاد به آزادی و برابری، تقسیم وظایف توافقی، رابطه دموکراتیک، زندگی برابرگونه
استهلاک مردسالاری	بی‌اهمیت جلوه‌دادن اقتدار مردانه، اعتقاد به رابطه برابر، توجه به زنان در تصمیم‌گیری، رعایت احترام متقابل
۳۲	ارضای نیازهای جنسی، ارضای نیازهای عاطفی، پرکردن خلا روحی و روانی، نیاز به رضایت و
رضایت‌مندی	شادی، نیاز به دوست داشتن
تعلیق فرزندآوری	عدم اعتقاد به داشتن فرزند، افزایش بی‌فرزندگی، هزینه داشتن فرزند، لذت مشترک و ترجیح دادن
	گذراندن روزگار با شریک جنسی

سهیم شدن در هزینه‌های مالی، صرفه‌جویی در	
مخارج، کاهش هزینه‌ها، برابری در امور	همکاری اقتصادی
اقتصادی، شراکت در منابع مالی	

شرایط علی

آموزه‌های دینی در محاق

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که تمامی مشارکت‌کنندگان، به جهان زیست‌شان، بدون تمسک به تفسیر مذهبی می‌نگرند و با اتخاذ رویکرد گزینشی نسبت به دین و مذهب، معتقدند که خارج از عرف و بدون در نظر گرفتن آموزه‌های دینی، زیست مشترک را تجربه نمودند. به عقیده یکی از مشارکت‌کنندگان تحقیق، نقض عمدی رفتارهای خلاف قانون که در تقابل با ارزش‌ها و آموزه‌های دینی بوده، فرد را به سمت ازدواج سفید ترغیب کرده است. حسن ۳۸ ساله در این باره می‌گوید: «چون ازدواج سفید حرام است، بیشتر حال می‌دهد. وقتی به چیزی غیرمجاز و غیرقانونی باشی، از لحاظ عرف و همه چیز بیشتر حال می‌دهد».

رویاریبی با زندگی مدرن، زمینه نفی آموزه‌های دینی را در افراد هموارتر کرده است؛ به گونه‌ای که در زیست مشترک، اعتقادی به خواندن خطبه عقد و جاری شدن صیغه محرمیت ندارند. رضا ۴۱ ساله، بیان می‌کند: «به اعتقاداتی دارم به اعتقاداتی ندارم. طرف مقابل هم به اعتقاداتی برای خودش داره و نداره، ولی اینکه ما فکر کنیم با خواندن به کلمه عربی به خطبه به صیغه جاری میشه و با هم محرم می‌شیم و برگه رو نخونیم نامحرم، من همچنین اعتقاداتی ندارم».

پانیز ۳۹ ساله، با اذعان به نفی اعتقادات و اعمال مذهبی عموماً پذیرفته شده، خود را آدم بی‌دینی تصور می‌کند. در تجربه این دسته از افراد، آنچه شریعت در مورد جاری شدن صیغه عقد مقرر کرده، کم‌ارزش تلقی شده و آن را به سخره گرفته و ضمن نفی آموزه‌ها و عقاید دینی در زمینه ازدواج و صیغه، با نوعی ضدیت با زبان دین و نقد حلال‌سازی امر حرام، عمل کردند. وی در این باره می‌گوید: «دین چیه، مذهب چیه، اصلاً من لائیکم. اعتقادی به این مسائل ندارم. صیغه م قبول ندارم. مسخره بازی می‌کنم با به جمله عربی، حروم حلال میشه. اینارو اصلاً قبول ندارم».

استیضاح و گذار از باکره‌گی

مشارکت‌کنندگان بر این باورند که وجود یک زن نباید با معیار باکرگی ارزیابی شود و باکره‌بودن نمی‌تواند شاخصی برای پاکدامنی و معیاری برای روابطشان چه در ازدواج سفید و چه در ازدواج مرسوم در نظر گرفته شود. گرچه اهمیت باکره‌گی زنان در ازدواج در جوامع سنتی و مذهبی بسیار بیشتر از جوامع دیگر است، ولی امروزه با توجه به تغییر و تحولاتی که در حوزه نقش‌های جنسیتی به‌وجود آمده، می‌توان

گفت هنجارها و بایدها و نبایدهای جنسیتی در میان مشارکت‌کنندگان پژوهش، نقش باخته و کمرنگ‌تر شدند.

تقریباً همه مشارکت‌کنندگان، با کم‌اهمیت جلوه دادن باکره‌گی در نوع ازدواج، به این درک و نگرش رسیدند که بکارت و باکره‌گی نمی‌تواند به‌عنوان مانعی برای زیست مشترک تلقی شود. فرزاد با ۳۸ سال سن در این باره می‌گوید: «باکره بودن در ازدواج سفید اهمیت ندارد. به هیچ وجه بنظرم حتی در ازدواج رسمی نیر اهمیت ندارد». به نظر می‌رسد یکی از نمودهای تغییر و تحولانی که در بستر گذار جوامع از دوران سنتی به مدرن پدیدار شده، عدم اعتقاد به باکره‌بودن در ازدواج و تغییر در دیدگاه غالب نسبت به باکره‌گی در میان مشارکت‌کنندگان تحقیق می‌باشد. علی ۳۹ ساله در این باره می‌گوید: «باکره‌گی من بهش اعتقاد ندارم چه در ازدواج سفید چه در رسمی». صادق ۳۹ ساله یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «اعتقادی به باکره بودن ندارم و برای من مهم نیست». به نظر می‌رسد آنچه که در تفسیر مشارکت‌کنندگان دریافت می‌شود، باکره‌گی به عنوان پیش‌نیاز و اهمیت درجه اول، در رابطه و جهان زیست‌شان تلقی نمی‌شود. مهدی ۳۷ ساله چنین بیان می‌کند: «من اصلاً اعتقادی به باکره بودن توی رابطه ندارم».

ادراک بحران اقتصادی

تورم و شرایط ناپایدار و بی‌ثبات اقتصادی دهه اخیر، تاثیر قابل توجهی بر سطوح زندگی افراد جامعه داشته و به عنوان یکی از موانع اصلی ازدواج جوانان، ضمن ایجاد آینده‌ای مبهم، قدرت ریسک افراد را پایین آورده و زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای جدید جایگزین ازدواج، اما کم هزینه‌تر نزد افراد شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش اظهار داشتند اکثر مردان و زنان دارای اهداف و انتظارات خاصی هستند که به‌عنوان پیش شرط‌های ازدواج قلمداد می‌شود و به دلایلی نظیر وضعیت نامناسب اقتصادی، درآمد اندک، افزایش هزینه‌های زندگی و احساس ناامنی شغلی، ازدواج سفید را به‌عنوان سبک زندگی خود انتخاب کردند. یکی از مشارکت‌کنندگان تحقیق، بر این باور است که به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی در شرایط فعلی، امکان اداره زندگی و تعهد به تامین رفاه فرد دیگری سخت به‌نظر می‌رسد. لذا از ازدواج به شیوه مرسوم اجتناب نمودند. پانیز ۳۹ ساله، در این باره می‌گوید: «هزینه‌ها انقدر رفته بالا، تو این اوضاعی که هست دو نفر هم کار کنن نمی‌تونن با هم زندگی کنند». یکی از نمودهای تأخیر و رویگردانی از ازدواج مرسوم در بین مشارکت‌کنندگان، علل اقتصادی تصور شده است. رضا ۴۱ ساله می‌گوید: «بخاطر اینکه هزینه‌هامون زیاد شده بود، ایشون باید هزینه می‌کرد و من هم هزینه کردم تصمیم به ازدواج سفید گرفتیم». سمانه ۴۱ ساله چنین روایت می‌کند: «بخاطر مشکلات مالی و درآمد کم ازدواج سفید کردم». به باور شهرام ۴۰ ساله، ناامنی شغلی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های تأثیرگذار بر ازدواج تصور شده است. وی در این باره می‌گوید: «توی

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

شرکت خصوصی کار می‌کنم و قراردادمونو شش ماه می‌بندن. همش استرس اینو دارم که نکنه شش ماه بعد تجدید قرارداد نشمو بخاطر همین نمی‌تونم برم سراغ ازدواج».

شرایط زمینه‌ای

معادله‌های پذیرش و نفی / آشکار و پنهان‌سازی

تحول در ارزش‌های فکری و دستگاه ذهنی مشارکت‌کنندگان تحقیق موجب شده تا همواره میان باورهای خود و عموم جامعه تفاوت احساس کنند و رفتاری مبتنی بر نگرش خود را برگزینند. گفتنی است پیرامون پذیرش و یا نفی این سبک زندگی، نوعی راهبرد در بین مشارکت‌کنندگان تحقیق شکل گرفته که گروهی ازدواج سفید را آشکار و گروهی پنهان می‌کنند و در یک سوی این معادله، اغلب خانواده‌های با ساختار سنتی و مذهبی و خاستگاه طبقاتی متوسط رو به پایین قرار دارند که به پیروی از قواعد حاکم بر جامعه که برگرفته از مبانی دینی و شریعت اسلامی است؛ این سبک زندگی را نمی‌پذیرند. در نتیجه، این روابط معمولاً به صورت پنهانی شکل می‌گیرد و افراد تمایل زیادی برای اشتراک‌گذاری جزئیات زندگی خود با دیگران ندارند. اما در سوی دیگر این معادله، خانواده‌های مدرن و به تعبیری امروزی‌تر قرار دارند که تحت تاثیر تغییرات حادث شده در گذر زمان، این سبک زندگی را به عنوان یک الگوی زیست پذیرفته و ضمن احترام به انتخاب فرزندان‌شان بر اهمیت رابطه شکل گرفته، توجه خاصی دارند. لذا این خانواده‌ها ضمن نظر گرفتن منافع فرزندان، بر اهمیت رابطه شکل گرفته توجه خاصی دارند و آن را فضایی شبیه به خانواده تصور خواهند کرد. فرشته با ۳۸ سال سن در این باره می‌گوید: «همه خانواده و اطرافیان در جریان بودن که ازدواج سفید داریم. هرچند بستگی به عرف جامعه یا مذهب و خانواده داره و این بستگی به انتخاب فرد داره. در بعضی جاها با هم تو مهمونی‌ها و جاهای دیگه شرکت می‌کردیم». مهدی ۳۷ ساله چنین روایت می‌کند: «خانواده من و پارتنرم از ازدواج سفیدمون اطلاعی ندارن. هر دو تو خانواده سنتی بزرگ شدیم و این نوع زندگیو قبول ندارن و خلاف اعتقادات و ارزش‌های مذهبی میدونن». پانید ۳۹ ساله یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «خانواده هامون از ازدواج سفیدمون خبر ندارن. شاید یکی از دلایلی که به نظرم خانواده در جریان ازدواج سفید قرار نمی‌گیرن برگرده به رسم و رسوم و مذهبی که داریم. در خانواده‌ها به سری آداب و رسوم هست که به آن پای بندن و این نوع ازدواج قبول ندارن و باعث کسر شان و آبروریزی خانواده می‌دونن». ناهید ۴۲ ساله به عنوان یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «طبقات پایین این سبک زندگیو قبول ندارن و اونو حروم میدونن. چون اعتقادات مذهبی قوی دارن اصلاً قبول ندارن و اونو حروم میدونن». شهلا ۳۸ ساله ابراز می‌دارد: «خونواده من این بار خیلی حامی من بودن و گفتن اگه تو باهاش

حالت خوبه، ماهم می‌پذیریم. پدر من دیگه اون سختگیری‌هایی که در زمان مجردی داشتم، رو نداره و باعث شده که به آرامش نسبی برسم».

ساده‌سازی زندگی

در گذار به جامعه مدرن افراد از لحاظ اجتماعی با یکدیگر متفاوت‌اند و هر قشر و گروهی ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای رفتاری و رسوم اجتماعی خاص خود را دارند. در میان همه مراسم و آداب و حوادث اساسی حیات انسانی، ازدواج اهمیت بسزایی دارد که برای انجام آن معمولاً مراسمی متناسب با سنت‌ها و باورهای هر جامعه برپا می‌شود که ریشه تاریخی و مذهبی دارد. یکی از مشکلات مهم بر سر راه ازدواج جوانان هزینه‌های گزاف برگزاری جشن‌ها و رسم و رسوم است که بسته به نوع فرهنگ خانواده‌ها متفاوت است. مواردی چون تعیین مهریه سنگین و غیرمتعارف، تعیین شروط دشوار برای مرد از طرف خانواده دختر هم چون مالکیت منزل و ماشین، برگزاری جشن ازدواج در تالارهای گران‌قیمت، تهیه جهیزیه‌های بسیار سنگین، زندگی تجملی و چشم و هم‌چشمی هم چون سد بزرگی بر سر راه ازدواج جوانان قرار گرفته است. با این اوصاف؛ همه مشارکت‌کنندگان پژوهش اذعان دارند در این مدل، شروع زندگی به صورت ساده و مبتنی بر توافق شرکت‌کنندگان و به دور از تشریفات و تعهدات ازدواج صورت خواهد گرفت. مهدی با ۳۷ سال سن، بر این باور است که ازدواج سفید برای هر دو طرف دارای مزیت است؛ بدین معنی که برای شروع زندگی نیازی به برگزاری مراسم و بجا آوردن تشریفات نیست. وی در این باره می‌گوید: «همش برای دو طرف مزیده؛ نه گیروگور شروع زندگی می‌خواد که بری طلا بخری و جهیزیه بخری و چیزهای دیگه نه خرج مراسمات و چیزهای دیگه رو داری». علی ۳۹ ساله نیز چنین بیان می‌کند: «نیاز به برگزاری مراسم و خرید طلا و وسیله‌های دیگه نیست. اینها رو حرف زدی و دیگه مشکلی نیست». گفتنی است، آنچه که در تفسیر مشارکت‌کنندگان درک و معنی می‌شود، پرداختن به این موضوع است که طرفین با توافق و انتخاب، یک زندگی ساده و بدور از تجملات را شروع می‌کنند و برای تهیه وسایل ضروری زندگی بر طبق قرارداد نانوشته، هر کدام با تهیه و تامین بخشی از وسایل، زندگی را آغاز می‌کنند. فرزاد ۳۸ ساله می‌گوید: "خیلی ساده شروع کردیم. رسم و رسومی خاصی نداره. خرید طلا و جهیزیه اینا رو نداریم. هر کی با خودش دو تیکه وسیله میاره همین».

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

شرایط مداخله‌گر

شبکه‌های مجازی تسهیل‌گر

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، جامعه امروز را به طرز باورنکردنی تحت سیطره خود قرار داده‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که فناوری‌های ارتباطی جدید روابط دختر و پسر را ساده کرده و نقش مهمی در ترویج و تسهیل روابط دارند. مشارکت‌کنندگان بر این باورند که استفاده از وسایل ارتباطی مدرن به‌ویژه اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای، نرم‌افزارهای یابنده جنس مخالف، شبکه‌های مجازی، تلفن همراه و چت روم‌های اینترنتی راه را برای افزایش این نوع روابط، هموارتر نموده است. گروهی از مشارکت‌کنندگان تحقیق، بر این باور هستند که شبکه‌های ارتباطی نوین، سبک زندگی و نگرش‌های افراد را تغییر داده و تأثیری زیادی در روابط جنسی بین افراد گذاشته است. لذا در تجربه این دسته از افراد، فضای مجازی به عنوان بستر تسهیل‌کننده آشنایی و ارتباط با جنس مخالف قلمداد شده است. پانیز ۳۹ ساله، در این باره می‌گوید: «از طریق شبکه‌های مجازی با پسری دوست شدم. اولش پیام و چت بود، ولی کم‌کم رابطه مون گرم شد. قرار گذاشتیم و با هم بیرون رفتیم و همینطور رابطه مون ادامه داشت. به روز بهم پیشنهاد ازدواج سفید داد و بیا با هم زندگی کنیم. منم بهش فکر کردم و قبول کردم». آشنا ۳۸ ساله بیان می‌کند: «از طریق اینستا با یکی آشنا شدم. کم‌کم رابطه مون گرم شد و بهش پیشنهاد رابطه دادم و اونم قبول کرد». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان تحقیق با اذعان به شیوه‌های جدید آشنایی که مخاطب را فردی انتخاب‌گر و آزاد تصور می‌کند به نقش تلفن همراه تأکید داشته است. گفتنی است این مشارکت‌کننده، باب آشنایی و ایجاد ارتباط را در ارسال پیامک و محتوای دلخواه پیام قلمداد کرده است. فرشته ۳۸ ساله در این باره می‌گوید: «روزی همین جووری به یکی از پسرای دوره کارشناسی که خیلی خوش تیپ بود، اس‌مس دادم. خواستم باب آشنایی باز کنم. از ذهنم بیرون نمی‌رفت. دوست داشتم باهش زندگی کنم، اما اون ازدواجی نبود. منم چون دوست داشتم، باهم رابطه برقرار کردیم و مدتی در ازدواج سفید باهم بودیم». به باور حسن ۳۸ ساله، ارتباطات مدرن، با نمایش قرار دادن الگوی زندگی غربی، موجبات تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و در نتیجه، ترویج افزایش این روابط را هموارتر کرده است. وی چنین می‌گوید: «تحت تأثیر فیلم‌های ماهواره دوست داشتم با کسی رابطه برقرار کنم، ولی اهل ازدواج نبودم. چون شرایطشو نداشتم فقط دوست داشتم مثل فیلم‌ها با کسی باشم».

واهمه از ازدواج رسمی

از نگاه مشارکت‌کنندگان تجربه ناخوشایند ازدواج قبلی، افزایش طلاق، کاهش اهمیت ازدواج و ترس از ازدواج حاکی از تجربه عدم موفقیت در ازدواج، بدبینی و تردید نسبت آن ایجاد کرده است. بیش

از نیمی از مشارکت‌کنندگان بر این باورند که کسانی که یکبار تجربه ازدواج و زندگی مشترک را از سر گذرانده‌اند، نگاه متفاوتی به ازدواج دارند. نگرش آنان به ازدواج به دلیل دشواری‌های حقوقی و پرهزینه بودن طلاق و برچسب‌هایی چون مطلقه بودن، بسیار منفی است و بر حفظ استقلال و حریم شخصی خود تأکید دارند. با این اوصاف، با مشاهده کاهش اهمیت ازدواج و افزایش طلاق، آنان در شرایط کنونی، این فکر را در ذهن خود می‌پروراند که نیازی به ازدواج نیست و تمایل دارند که فقط با هم زندگی کنند. پانیز ۳۹ ساله در این باره می‌گوید: «قبلا چون یکبار شکست خوردم، دیگه دوست ندارم دوباره این اتفاق بیفته. همیشه ترسیدم که نکنه فردا ازدواج کنم دوباره منجر به جدایی بشه. برا همین رفتم سراغ ازدواج سفید». حسن ۳۸ ساله بیان می‌کند: «قبلا ازدواج کردم. بعد از پنج سال به صورت توافقی از هم جدا شدیم. اخلاقموم نمی‌خورد بهم. دیدم حالمون خوب نیست کاملا دوستانه از هم جدا شدیم و دیگه ازدواج نکردم». شهلا ۴۲ ساله، با تأکید بر تجربه ناخوشایند ازدواج قبلی، تمایلی برای ازدواج مجدد نداشته است. وی در این باره چنین می‌گوید: «چون یکبار ازدواج کردم و شوهرم بهم خیانت کرد، دیگه نمی‌تونم به کسی اعتماد کنم و دوست ندارم دیگه ازدواج رسمی کنم». فرناز ۴۱ ساله، با مشاهده نمای زندگی یکی از بستگان، این هراس و ترس در ذهنش نقش بسته که ارتباط همیشگی او را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی و استقلال او را سلب نماید، تمایلی به ازدواج ندارد. وی چنین روایت می‌کند: «یکی از خواهرام چند ساله شوهر کرده، ولی تو زندگی اختیار هیچی نداره. خیلی خسته‌کننده‌س زندگی شون. صدای بچه هاشون دراومده از بس که دعوا می‌کنن. برا همین می‌ترسم که منم فردا روز اینطوری شم ازدواج نمی‌کنم».

راهبرد

طیف وفاداری: از تعهد تا تعلیق تعهد

مفهوم تعهد از نگاه مشارکت‌کنندگان معنای ثابت و مطلق نیست و بر حسب شرایط و در طی زمان و مکان تحول یافته است. در واقع، وفاداری در ازدواج سفید، طیفی از تعهد تا به تعلیق درآوردن تعهد را در بر می‌گیرد که در یک سوی طیف، تعهد به معنای عرفی‌اش قرار دارد که برگرفته از معنای رایج اجتماعی و متأثر از هنجارهای مسلط بیرونی است و از قواعد مرسوم در ازدواج رسمی پیروی می‌کند. در تایید مطالب فوق، بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان بر این باورند آنچه که در شکل و کیفیت تعهد در ازدواج رسمی، خیانت نامیده می‌شود، در ازدواج سفید نیز خیانت است. در دامنه دیگر طیف، تعهد گستره معنایی را در برمی‌گیرد که با توجه به ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌تواند دچار تغییر و نوسان معناشناختی شود؛ بدین معنی که در اینجا افراد براساس اصول اخلاقی خود عمل می‌کنند و در معنای تعهد و حق انتخاب در رابطه آزاد هستند و در صورت تغییر در احساسات می‌توانند رابطه را بازنگری کرده و مطابق با

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

آن عمل کنند. به باور نیمی از مشارکت‌کنندگان تحقیق، جنس تعهد و تداوم رابطه در اینجا منطبق بر انگاره‌ها و قوانین زناشویی نیست که مبتنی بر قرارداد و توافق بین دو طرف است و در صورت مشاهده رفتار توأم با خیانت رابطه می‌تواند ادامه داشته باشد. لذا به نظر می‌رسد یکی از عوامل دخیل در پیمان‌شکنی، عدم فشار و اضطراب کم ناشی از آشکارشدن خیانت و در نتیجه، جدایی و پایان دادن رابطه می‌باشد. هم‌چنین از اظهارات مشارکت‌کنندگان تحقیق، این نکته درک و تفسیر می‌شود که وقوع این رفتار در بین آقایان بیشتر مشاهده می‌شود. به باور رضا با ۴۱ ساله: «چون اضطراب کم‌تره اگر خیانت هم آشکار شه، خیلی راحت می‌تونن رابطه رو کات کنن. هر چند می‌تونن در مورد خیانت با هم توافق کنن که رابطه تا کجا خیانت هست و کجا نیست مثلاً اگر با دختری بیرون رفتی و همدیگر رو لمس کردی و حالم کردی، خیانت نیست و یا اگر رابطه جنسیم برقرار کردی، می‌تونن رابطه رو ادامه بدی چون رو اینا توافق کردی».

فرشته ۳۸ ساله، اذعان دارد که از ارتباط شریک جنسی‌اش با دخترهای دیگر اطلاع دارد. وی، ترس از تنهایی و طرد شدن توسط شریک جنسی را به عنوان یکی از عوامل اصلی این رفتار بیان کرده است. وی می‌گوید: «من از رابطه جنسی پارتنرم خبر دارم و باهش کنار اومدم. یکی از علت‌هایش اینه که از طرد شدن و تنهایی می‌ترسم که اگر شریک جنسیم الان ولم کنه و بره سراغ یکی دیگه، من تا آخر عمرم تنها می‌مونم».

فرزاد ۳۸ ساله، چنین می‌گوید: «که من تو رابطه جنسی تعهدی ندارم و هر جا که احساس کنم که حالم خوبه، رابطه برقرار می‌کنم. چون دو نفری که ازدواج سفید میکنن تا آخر عمر با هم که نیستن بنابراین می‌تونن رابطه با کس دیگه هم داشته باشن. چون تعهدی که ندادی همش براساس توافق بین دو طرفه که میتونی وفادار بمونی و نمونی که جایی که به نفعته باید بری به همون طرف».

روژان ۴۲ ساله، بر این باور است که با توجه به اینکه دو طرف از روی میل و رضایت روی به این سبک زندگی آوردند، پای‌بندی و وفاداری‌شان از ازدواج مرسوم هم بیشتر است. گرچه، خیانت در بین آقایان بیشتر مشاهده می‌شود. وی در این باره می‌گوید: «توی رابطه جنسی خیلی پایبند هستم. پای‌بندی‌مون از اون‌هایی که ازدواج رسمی کردن بیشتره چون خودمون گفتیم دلی هستیم با هم. اگر بخوایم بهم خیانت کنیم دیگه ازدواج سفید نمی‌کردیم. به نظرم خانم‌ها به خاطر حسی که دارن و وجدان درد بیشتری که دارن کمتر خیانت میکنن، ولی آقایون چه در ازدواج سفید و چه در رسمی بیشتر خیانت می‌کنند و اگر روزی در رابطه ما شریک جنسی بهم خیانت کنه من از رابطه بیرون میرم». آشنا ۳۸ ساله، چنین روایت می‌کند: «ازدواج سفید یه حالت کاملاً دلیه. تو می‌ای با احساس و با شخصیت خودت به طرفت میگی من با توام یعنی

دو تایی با هم هستیم. پای بندیش از این ازدواج ها بهتره. توی رابطه جنسی به هم وفاداریم و به همدیگه تعهد دادیم که خیانت نکنیم و ازدواج سفید در حال حاضره قشنگتر از این ازدواج های ثبت شده‌س».



کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

آزمون سازگاری

با هم زندگی کردن در یک زندگی آزمایشی به دو طرف نشان می‌دهد که ازدواج‌شان به چه شکل می‌تواند باشد. در واقع، ازدواج سفید ضمن فراهم ساختن امکان زندگی مشترک غیرمتعهدانه، به عنوان نوعی محک و آزمونی برای سنجش سازگاری و زندگی مشترک تلقی شده که در صورت بروز نشانه‌های تعارض و ناسازگاری، به آسانی می‌توان آن را به هم زد. به زعم مشارکت‌کنندگان تحقیق، این سبک زندگی می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای حصول آشنایی بیشتر طرفین با ویژگی‌های شخصیتی و خلق و منش یکدیگر و بستری مطمئن جهت اتخاذ تصمیم آگاهانه برای ازدواج، فراهم آورد. آشنا ۳۸ ساله معتقد است زندگی کردن در زیر یک سقف، زمینه شناخت و مختصات شخصیتی طرفین را هموارتر می‌کند. از منظر این مشارکت‌کننده، با شناسایی و درک خصوصیات رفتاری و اخلاقی، می‌توان با محک زدن و سنجش ظرفیت‌های شریک جنسی در عرصه زیست مشترک، برای ازدواج اقدام کرد. وی در این باره می‌گوید: «وقتی توی یه خونه با هم زندگی میکنی، طرفتو خوب میشناسی و محکش میزنی. اینجا می‌تونی برای ازدواج تصمیم بگیری چون اینجا همو می‌فهمی». به باور تعدادی از مشارکت‌کنندگان تحقیق، نگرشی جدید در روابط جنسی شکل گرفته و زیست پیش از ازدواج به عنوان معیاری جهت کسب شناخت و در نتیجه، به عنوان یک دوره امتحان و مقدمه‌ای بر ازدواج مرسوم پنداشته شده است. در این راستا، پانید ۳۹ ساله می‌گوید: «ازدواج سفید با توجه به اینکه بهت شناخت میده، می‌تونه مقدمه باشه برای ازدواج آینده». صادق ۳۹ ساله، در این باره چنین روایت می‌کند: «به نظر من ازدواج سفید صد درصد مقدمه هست بر ازدواج رسمی».

انتخاب عقلانی فایده‌گرا

نگاه فایده‌گرایانه مشارکت‌کنندگان به ازدواج سفید باعث شده که آن‌ها به نوعی انتخاب عقلانی مبتنی بر سود و زیان دست بزنند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد تقریباً همه مشارکت‌کنندگان تحقیق، در چرایی انتخاب این سبک زندگی بر این باورند که فوائد بیشتر این رابطه در قیاس با ازدواج مرسوم باعث روی آوردن آن‌ها به این زندگی شده و عواملی هم‌چون: آسان بودن ورود و خروج رابطه بدون طی کردن فرایند اداری، کاهش هزینه طلاق، قدرت انتخاب، مرتفع شدن نیازهای جنسی و سهم شدن طرفین در تامین نیازهای مالی را به عنوان مولفه‌های این رابطه برشمردند. گروهی از مشارکت‌کنندگان تحقیق بر این باورند به علت تجربه ناخوشایند زندگی قبلی که منجر به طلاق و جدایی‌شان شده است، تا مدت‌ها از ناحیه خانواده و دور همی‌های خویشاوندان مورد سرزنش قرار گرفتند. بنابراین، در این سبک زندگی در صورت ناسازگاری در جهان‌بینی، اخلاق و سلائق دو طرف، زندگی مشترک بدون طی کردن مراحل اداری، هزینه‌های زیاد طلاق، استرس گرفتن مهریه و برچسب خوردن طلاق، به سادگی خاتمه پیدا می‌کند. ناهید ۴۲ ساله می‌گوید:

«توی این زندگی اگر دو نفر نتونند با هم مچ بشن، دیگه گیر و گور طلاقو ندارن. راحت رابطه را کات می‌کنن. کسیم نیست سرزنش کنه و به قولی دیگه نقل محافل نمیشن و هر جا دور همی فامیل و خانوادگی باشه بگن برای چی طلاق گرفتی چرا نتونستی زندگی کنی». فرناز ۴۱ ساله بیان می‌کند: «توی ازدواج قبلی خیلی سختی کشیدیم. منو طلاق نمی‌داد. آخرش مهریه مو بخشیدم. کلی اومدم و رفتم تا ازهم جدا شدیم. تازه انگ طلاق هم خورد رو پیشونیم. ولی اینجا دیگه انگ طلاق نمی‌خورم. فقط خودم هستم و خودم. فوقش چند روز اذیت می‌شم». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان چنین روایت می‌کند: «توی سفید دغدغه کات شدن رابطه و بحث جدایی و گیر و گور طلاق و دادگاه رفتن و برو بیا رو نداری. هر وقت خواستی، میری بدون اینکه کسی بفهمه». شهلا ۴۲ ساله، مرتفع شدن نیازهای جنسی و نگاه اقتصادی و حامیانه را به عنوان مزایای ازدواج سفید بیان کرده است: «ازدواج سفید همش مزایاس؛ رابطه جنسی و عاطفی داریم و حامی مالی همدیگه هستیم». علی ۳۹ ساله، یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان تحقیق، در مورد علت انتخاب ازدواج سفید، چنین می‌گوید: «توی ازدواج سفید همه چی خوبه. همه چی هست. هر دو شغل و درآمد داریم. هزینه هامون کم شده. شرایطش خیلی خوبه. نمی‌خوام ازدواج کنم».

پیامد

شکل‌گیری رابطه برابرگرایانه

بر مبنای ارزش‌های مدرن همه انسان‌ها برابرند و باید از آزادی، حقوق و فرصت‌های برابر فارغ از هرگونه تنازعات اجتماعی برخوردار باشند (ملکیان، ۱۳۸۱: ۴۰۵). تحلیل مصاحبه‌ها حاکی از آن است خاستگاه تعهد در این الگو، بر پایه قراردادها و توافقاتی بین فردی در شیوه درک افراد از همدیگر است که متناسب با موقعیت و کنش بین دو طرف شکل گرفته است. گفتنی است همه مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند که رابطه شکل‌گرفته در این الگوی زیست بر محور برابری است. یکی از مصاحبه‌شوندگان تحقیق، وضعیت حاصل از این رابطه را برابر قلمداد می‌کند و بر این باور است که در این الگو، تقسیم وظایف متناسب با موقعیت طرفین که مبتنی بر توافق است، شکل می‌گیرد. مهدی ۳۷ ساله در این باره می‌گوید: «تقسیم وظایف خونه بستگی به شرایط کاری داشت؛ به زمانی بود خانمم واسه کنکور می‌خوند، من ظرف‌ها رو می‌شستم». آشنا ۳۸ ساله، یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان تحقیق، بر این باور است نوعی برابری که مبتنی بر توافق و اجماع بین دو طرف است، بر این سبک زندگی حاکم می‌باشد. در تجربه این دسته از افراد اساس، تقسیم وظایف منوط به توافقاتی بین فردی و شیوه درک افراد از همدیگر در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره بستگی دارد. وی چنین می‌گوید: "اگر اون غذا درست کنه، من ظرف‌ها رو می‌شورم. خلاصه هرکی گوشه کارو می‌گیره و همه چی تقسیم شده است". گروهی از مشارکت‌کنندگان

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

تحقیق، به نقش برابری تأکید می‌کردند. در این شرایط فرد سعی می‌کند در مقایسه با دیگری خود را آزاد و برابر بازشناسد و به مسئولیت‌ها و وظایف خود به گونه‌ای برابر شکل دهد. پانیذ ۳۹ ساله می‌گوید: «تقریباً به رابطه برابر در زندگی مون داریم». بهار ۴۱ ساله، یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان، چنین روایت می‌کند: «خشونت و بگو مگو نداریم، چون که اعتقاد به رابطه برابر داریم».

استهلاک مردسالاری

در الگوی مردسالاری، اغلب مردان را مسئول تأمین مخارج زندگی می‌دانند و زنان نیز وابسته به مردان در عرصه‌های مختلف به خصوص در عرصه اقتصادی هستند و از ورود به عرصه‌های اجتماعی محروم گشته و فعالیت‌شان محدود به حوزه خصوصی، خانه و خانواده بوده است. اما با توجه به تغییرات و تحولات به وجود آمده در سطح خانواده‌ها و جامعه، بسیاری از الگوهای پیشین حاکم بر خانواده و جامعه جای خود را به الگوهای جدیدی داده است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد همه مشارکت‌کنندگان سلطه مردسالاری را فراگیر ندانسته و نوع رابطه را بر محور علاقه و برابری توصیف نمودند. گروهی از مشارکت‌کنندگان تحقیق، اعتقاد دارند که مردسالاری در ازدواج مرسوم و البته ازدواج سفید رنگ باخته و امروزه، اساس رابطه بین دو طرف در زیستن، بر محور برابری می‌باشد. علی ۳۹ ساله در این باره می‌گوید: «اعتقادی به مردسالاری ندارم حتی توی زندگی اولم اینطوری نبودم». صادق ۳۹ ساله، یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان تحقیق روایت می‌کند: «در ازدواج سفید مردسالاری وجود نداره و به رابطه برابر وجود داره». رضا ۴۱ ساله، یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان، با نفی نظام اجتماعی حاکم بر مردسالاری، خود را قائل به پذیرش جهان‌بینی‌های مبتنی بر آموزه‌های فمینیستی برای ادامه رابطه می‌داند. وی می‌گوید: «مردسالاری رو من خودم هیچ وقت دوست نداشتم اعمالش کنم و خودم را آدم فمینیستی می‌دانستم». به تصور روزان ۴۲ ساله، در ازدواج سفید، مردسالاری وجود ندارد و زیست جهان افراد، بستگی به سطح مناسبات و تعاملات اجتماعی دارد. لذا در تجربه این دسته از افراد، سبک زندگی مبتنی بر رابطه دوستانه است و در صورت هرگونه رفتاری که منجر به اعمال محدودیت و تعارض شود، رابطه خاتمه پیدا می‌کند. وی بیان می‌کند: «در ازدواج سفید مرد سالاری نیست و دو طرف عین دوتا دوست هستن. آگه ایشون بخواد ادای شوهرها رو دربیاره و دخالت بکنه، من نمی‌مونم توی رابطه».

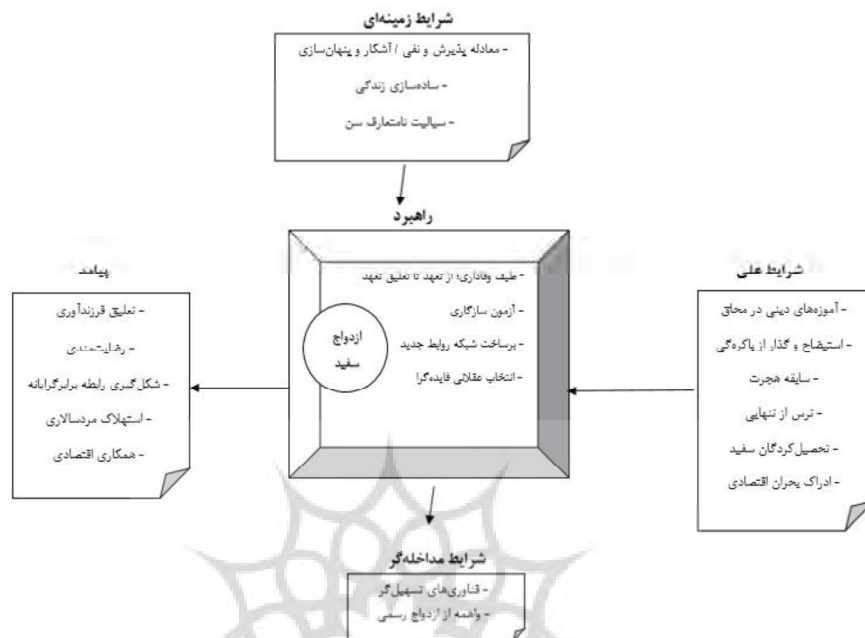
رضایت‌مندی

رضایت‌مندی از زندگی، بیانگر میزان ارضای تمایلات و نیازهای اساسی انسان است. رضایت‌مندی را می‌توان به عنوان ارضای نیازهای اساسی و تلقی مثبت و احساس خوشایند افراد به قلمروهای مختلف زندگی بیان کرد (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۳: ۷۱). به دیگر کلام، رضایت‌مندی یکی از ضروریات جامعه امروزی

است که با توجه به تنوع و گوناگونی نیازهای بشری، از شکل یک نیاز صرفاً ساده خارج شده و می‌توان آن را به مثابه سازه‌ای در نظر گرفت که دربردارنده ابعاد و جنبه‌های گوناگونی از زندگی می‌شود. از منظر مشارکت‌کنندگان، رضایت‌مندی دربردارنده ابعاد جسمی و عاطفی است. گفتنی است همه مشارکت‌کنندگان از زندگی با شریک جنسی خود رضایت عاطفی و همین‌طور جنسی داشتند. تامین نیازهای جنسی به عنوان یکی از نیازهای فیزیولوژیک که پایه و اساس خیلی از نیازهای دیگر است، در زندگی افراد وجود دارد و میزان و نوع برآورده شدن این نیاز در بین افراد مختلف متفاوت است. با توجه به تغییراتی که در طی فرآیند گذار سنت به مدرنیته و میزان ارتباط با فرهنگ‌های بیگانه، در جامعه ایجاد شده است، مشارکت‌کنندگان تحقیق برای تامین نیازهای عاطفی، روحی و جسمی در جستجوی رابطه‌های عاطفی صمیمانه و به زعم گیدنز (۱۳۸۳) در جستجوی رابطه‌های ناب و اطمینان از حفظ رابطه ناب در آینده هستند. با این اوصاف، آنچه که در واکاوی مصاحبه‌ها درک و تفسیر می‌گردد، بر پایه این تلقی استوار است که رضایت فرد از انجام فعالیت او را به سوی رفتاری سوق می‌دهد که موجب خشنودی او می‌شود و به همین دلیل آن رفتار را تکرار می‌کند. به اذعان صادق ۳۹ ساله، سطح شادی هر فرد را کیفیت رضایت او از جریان زندگی تعیین می‌کند. او در این باره می‌گوید: «ازدواج سفید خیلی خوبه. خوشگذرانی بیشتره. می‌تونی راحت و بدون محدودیت با دوستات آزاد باشی». از عوامل موثر بر رضایت از ازدواج سفید، نیاز به محبت و دوست داشتن است. سمانه با ۴۱ سال سن می‌گوید: «چون توی رابطه قبلیم شکست خورده بودم، همش دوست داشتم کسی منو دوست داشته باشه. واقعاً نیاز به محبت و دوست داشتن داشتم که توی رابطه م الان لمسش می‌کنم و رضایت دارم».

از نگاه مشارکت‌کنندگان، تامین نیازهای جنسی و عاطفی و کاهش استرس از ابعاد رضایت از ازدواج سفید تصور شده است. علی ۳۹ ساله می‌گوید: «در ازدواج سفید با همدیگه زندگی می‌کنیم. ثبت‌نام نمی‌کنیم، ولی رابطه جنسی با هم داریم. بدون قید و بند قانونی نیازهای جنسی و عاطفی همو برطرف می‌کنیم». بهار ۴۱ ساله می‌گوید: «نیاز جنسی و روانی برطرف میشه. استرس و بار روانی خیلی کم شده».

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج



مدل پارادایمی الگوی ازدواج سفید

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف شناسایی بسترها و فرایندهای پدیده ازدواج سفید به‌عنوان سبک زندگی متفاوت در شهرهای تهران و کرج انجام شده است. پس از غور و غوص در یافته‌ها، مقولات و فرایند پژوهش، مقوله «ازدواج سفید به مثابه گریزگاه انتخابی» به عنوان مقوله هسته انتخاب گردید. ازدواج سفید(هم‌خانگی) یک شکل متمایز از وضعیت تأهل غیرقانونی و از جمله سبک‌های زندگی خارج از چارچوب‌های به رسمیت شناخته در جامعه در حال گذار ایران می‌باشد. مرور مقولات تحقیق بیانگر آن است تغییرات ایجاد شده در نوع رابطه، افزایش سن ازدواج، اعتقاد به تشابه و برابری جنسیتی، افزایش طلاق، ضعیف شدن ارزش‌ها و باورهای دینی، آزادی انتخاب، واهمه از ازدواج، گسترش فرصت‌های تحصیلی، اشتغال زنان، الگویذیری از گروه دوستان، تأثیرات شرایط بد اقتصادی، بالا بودن هزینه‌های زندگی مشترک، گسترش وسایل ارتباطی مدرن(نفوذ ماهواره و استفاده از اینترنت) و میل برخی از زنان و مردان به کام‌جویی‌هایی موقت با شرکای جنسی مختلف تحت تأثیر روحیه تنوع‌طلبی و لذت‌جویی از عواملی هستند

که موجب شده جوانان برای برآوردن نیازهای جنسی و عاطفی در پرتو مفاهیم جدید روی به ازدواج سفید آورند. هم‌چنین، در این الگوی زندگی کسانی که یک بار تجربه ناخوشایند زندگی قبلی را داشته‌اند، به علت شرایط حاکم بر جامعه و سختی آداب و رسوم که باعث دافعه و گریز آنان از ازدواج شده، تحولاتی را در زندگی آنان ایجاد کرده و با انتخاب ازدواج سفید می‌خواهند گونه‌ای از گریز و رهایی را تجربه کنند. نتایج تحقیقات بنیت و همکاران (۱۹۸۸)، آکسین و تورنتون (۱۹۹۲) و وایت (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که ازدواج سفید به‌خصوص در بین کسانی بیشتر متداول است که قبلاً ازدواج ناموفق یا طلاق را تجربه کرده‌اند. لذا با توجه به وجود منابع جامع‌پذیری متکثر می‌توان گفت الگوهای هنجاری و ارزش‌های سنتی کمتر از گذشته در جامعه تأثیرگذار هستند و جوانان برای رهایی از آداب و رسوم و توجه بیشتر به نیازها و خواسته‌های شخصی‌شان روی به این سبک زندگی آوردند و به نوعی خواهان روابط آزاد و در پی پاسخگویی به نیازهای غریزی خود، بدون هیچ قید و بندی هستند. نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد ازدواج سفید دارای منافع و تعهدات مشترک است که دو طرف در قبال آن مسئول هستند. چون هیچ ارتباطی نیست که دو نفر به یکدیگر متعهد نباشند، با این تفاوت که در اینجا شکل و کیفیت تعهد بیش از آنکه به قرارداد مکتوب ازدواج وابسته باشد به توافق‌های بین‌فردی و گفتگویی وابسته است و چنین توافقی شرط اصلی تداوم رابطه است. گفتنی است در این مطالعه زنان، تعهد و وفاداری بیشتری نسبت به رابطه و شریک جنسی‌شان دارند و به دلیل نگرانی و ترس از تنهایی و پیامدهای متعاقب آن، خود را بیشتر متعهد به حفظ و دوام آن می‌دانند. در حالی‌که مردان، بودن همزمان در چندین رابطه و پیمان‌شکنی را راحت‌تر می‌پذیرند و تعهد کمتری نسبت به شریک جنسی‌شان دارند. به عبارت دیگر، جنس و شکل تعهد مبتنی بر قوانین شرع نیست و مبتنی بر عشق رمانتیک است که با «نظریه رابطه ناب» گیدنز همسویی دارد. در این نوع رابطه که کیفیت رابطه و رضایت از آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تأثیر تعهدات بیرونی بر بقای رابطه به حداقل می‌رسد. رابطه ناب منجر به نوعی رضایت فردی و درونی می‌شود که کاملاً از نفس رابطه برخاسته است و به هیچ عاملی بیرون از خود وابسته نیست و وجود این رضایت، شرط بقا و ماندگاری رابطه است (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۹). گفتنی است یکی از مزیت‌های ازدواج سفید حق ترک رابطه است که بدون دردسر می‌توان رابطه را ترک کرد و به آن پایان داد. هم‌چنین، نگرانی از پیامدهای طلاق، نگاه منفی جامعه به طلاق و طرد از سوی خانواده سبب شده تا افراد خود را درگیر ازدواج نکنند و برای گریز و ترس از تنهایی ازدواج سفید را به عنوان آزمون سازگاری انتخاب کنند تا بدین ترتیب ضمن ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، رابطه آزادانه‌تری داشته باشند و زمان بیشتری برای درک بهتر از رفتار همدیگر سپری کنند. بنابراین با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت در این شکل از ازدواج، انتخاب همسر تحت تأثیر هنجارها و فشارهای اجتماعی جامعه سنتی، شکل نگرفته و نوعی

کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

بازاندیشی در همسرگزینی به وجود آمده است. با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره برحسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان، اگرچه عوامل یکسان‌ساز و استانداردکننده وجود دارد، به دلیل بازبودن زندگی اجتماعی امروزی و همچنین تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع مراجع، انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۶۴). اولریش بک نیز با تأکید بر مفهوم نوگرایی بازاندیشانه معتقد است که امروزه کنشگران این امکان را دارند که درباره خود و نظام روابط اجتماعی‌شان بازاندیشی کنند. برگر نیز در مورد هویت بازاندیشانه معتقد است جامعه در حال تغییر و تحول، فرد را به بازاندیشی و تصمیم‌های گوناگون ناگزیر می‌سازد (برگر و همکاران، ۱۳۸۰). از نظر باومن، در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه‌اند، اما در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آن‌ها را سلب نماید. انسان‌های امروزی ارتباط را می‌خواهند، اما تنها با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش. در جامعه سیال مدرن، افراد به جای پیوندهای ناگسستگی و همیشگی خواهان پیوندهای سست و بی‌قیدوبند هستند (باومن، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰). هم‌چنین یافته‌های این تحقیق را می‌توان شواهدی در تأیید نظریه‌هایی دانست که نشان داده برخی ویژگی‌های خانواده معاصر از قبیل افزایش نسبت تجرد، افزایش سن ازدواج، کاهش موالید و باروری که در «نظریه گذار دوم جمعیت‌شناختی» به آن‌ها پرداخته شده است در ایران به وقوع پیوسته است. علاوه بر این، یافته‌های تحقیق را می‌توان در تأیید «نظریه موافقان ازدواج سفید(هم‌خانگی)» دانست که از نظر موافقان اولین مزیت این نوعی زندگی مشترک عشق است. عاشقان چون نمی‌توانند بدون یکدیگر زندگی کنند، ازدواج سفید چاره خوبی به نظر می‌رسد. بنابراین هر دو نفر آگاهانه تصمیم می‌گیرند تا با هم زندگی کنند.

پیشنهادهای

- آموزش مهارت‌های زندگی قبل از ازدواج؛
- هموارکردن مسیر ازدواج جوانان؛
- فراهم کردن زمینه اشتغال و بهبود شرایط اقتصادی؛
- شناسایی ابعاد، علل و پیامدهای ازدواج سفید در ایران و مقایسه آن با مطالعات خارجی.

محدودیت‌های پژوهش

- نبود آمارهای کافی و وافی در این زمینه؛
- عدم دسترسی پذیری به افراد مورد مطالعه و جلب نظر جهت مشارکت در تحقیق؛

فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان / شماره: ۶۵ / پاییز ۱۴۰۳

- عدم امکان تعمیم نتایج به دلیل استفاده از روش کیفی و تعداد محدود مشارکت‌کنندگان؛
- طولانی شدن فرایند مصاحبه به دلیل حساسیت موضوعی پژوهش.



کندوکاو کیفی پدیده ازدواج سفید(هم‌خانگی) در میان جوانان شهرهای تهران و کرج

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایناری، مریم و طالبی، سحر. (۱۳۹۱). «هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران». جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۳، شماره ۱، صص ۴۳-۷۷.
- اکبرزاده، فاطمه و هاشمیان‌فر، سیدعلی. (۱۳۹۸). «اخلاق متعارف تا اخلاق عرفی: گونه‌شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. دوره ۶، شماره ۱۴، صص ۱۷۷-۲۰۶.
- احمدی، کامیل. (۱۳۹۷). «اتاقی با در باز: پژوهشی جامع در باب ازدواج سفید در ایران». فصلنامه مطالعات حقوق. شماره ۲۱، صص ۱۵۹-۱۷۶.
- احمدوند شاهوردی، محمد؛ پورحسین، رضا و غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۴۰۰). «واکاوی پدیدارشناسانه همباشی (ازدواج سفید) (مورد مطالعه: جوانان شهر تهران)». رویش روان‌شناسی. سال ۱۰، شماره ۱۱، شماره پیاپی ۶۸، صص ۴۰-۵۰.
- امجدی، فرزانه؛ شکریگی، علویه و معدنی، سعید. (۱۳۹۹). «برساخت اجتماعی ازدواج سفید». پژوهش‌های جامعه‌شناختی. سال ۱۴، شماره ۱ و ۳، صص ۶۸-۹۸.
- اعتمادی‌فرد، سیدمهدی و حسینی، غزاله. (۱۳۹۸). «قواعد و ضرورت‌های نظام خانواده در ایران از خلال بروز تغییرات و ناپهنجاری‌ها (با تأکید بر همباشی به‌مثابه نوعی آسیب در خانواده)». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۸، شماره ۳، صص ۴۳۳-۴۶۰.
- امیدوار، پوران؛ دانش، پروانه؛ جواهری، فاطمه و زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۹۷). «مطالعه خرده‌فرهنگ همباشی در کلان‌شهر تهران». رفاه اجتماعی. سال ۱۸، شماره ۷۱، صص ۳۲۰-۳۲۹.
- چیت‌ساز، محمدجواد. (۱۴۰۱). «بررسی وضعیت همباشی در ایران: فراترکیب پژوهش‌های همباشی». فصل‌نامه علمی پژوهش مسائل اجتماعی ایران. شماره ۹۵، صص ۷۱-۹۹.
- گلچین، مسعود و صفری، سعید. (۱۳۹۶). «کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد: مطالعه زمینه‌ها، فرایند و پیامدهای هم‌خانگی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۲۹-۵۷.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان. (۱۳۸۳). «رضایت از زندگی و دین‌داری در بین دانش‌آموزان». مجله علوم اجتماعی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱، شماره ۳، صص ۸۳-۱۱۶.
- Adrienne. Brown. (2022). "High school seniors' attitudes toward cohabitation as a testing ground for marriage, 2020. Family Profiles". FP-22-03. National Center for Family & Marriage Research. <https://doi.org/10.25035/ncfmr/fp-22-03>.
- Afary, Janet. (2009). **Sexual politics in modern Iran**. Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York.
- Beck, Ulrich. & Elisabeth. Beck-Gernsheim. (2002). **Individualization: Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequences**. London: Sage
- Derek Richard Lawson. (2019). "Cohabitation as a young adult: Examining relationship interactions & outcomes and financial characteristics and economic well-being". School of Family Studies and Human Services College of Health and Human Sciences.
- Ermisch, John. (2005). **The Puzzling Rise in Childbearing outside Marriage. Understanding Social change**. Oxford: Oxford University Press.

- Gorden. A, Carmichael. (1995). **“Consensual Partnering in the More Developed Countries”**. Journal of the Australian Population Association, Vol. 12, No. 1.51-86
- Heuvelin, patrick. & Timberlake, Jeffrey.M. (2004). **“The role of cohabitation in family formation: the United States in comparative perspective”**. Journal of marriage and family, 67, 1214-1230.
- Hyunjoon Park. (2021). **Introduction to the special collection on family changes and inequality in East Asia, Demographic Research**. Published by: Max-Planck-Gesellschaft zur Foerderung der Wissenschaften. VOLUME 44, ARTICLE 40, PAGES 979–992. DOI: 10.4054/DemRes.2021.44.40.
- James m. raymo. miho iwasawa. larry bumpass. (2008). **“Cohabitation and Family Formation in Japan”**. The Institute of Social and Economic Research Osaka University.
- Loffler, Christin. (2009). **Non-Marital Cohabitation in Italy**. Der Universität Rostock.
- Nazio, Tiziana(2008). **Cohabitation, Family & Society**. London: Routledge
- Nugent, C. N., Daugherty, J. (2018). **“A demographic, attitudinal, and behavioral profile of cohabiting adults in the United States, 2011– 2015”**. National Health Statistics Reports, 111.
- Pamela j. Smock. (2000). **“Cohabitation in the United States: An appraisal of research themes, findings, and implications”**. Annual Reviews Sociology, 26 (1): pp 1-20.
- Premchand Dommaraju and Shawn Wong. (2018). **“Transition to First Marriage in Thailand: Cohort and Educational Changes”**. Sociology, School of Social Sciences, Nanyang Technological University, Singapore .<https://orcid.org/0000-0002-6889-2039> .
- Sassler, Sharon., lichter, Daniel. (2020). **“Cohabitation and Marriage: Complexity and Diversity in Union-Formation Patterns”**. Journal of Marriage and Family, 82 ,35–61.
- Soanes, Catherine., & Hawker, Sara. (2014). **Compact Oxford English dictionary**. Oxford University Press
- **Statistics Finland 2015. Family type**. Retrieved 2016/06/27 from: http://www.stat.fi/meta/til/perh_en.html
- wiik Kennet Aarskaug. (2020). **First union formation among the children of immigrants: A population-wide study in Norway**. Published by Elsevier Ltd.1-14: <https://doi.org/10.1016/j.alcr.2022.100480>.
- Williams, Lindy. Midea. Kabamalan, and Nimfa. Ogena. (2007). **“Cohabitation in the Philippines Attitudes and Behaviors Among**.
- Wolcott, Ilene. (1999). **“Strong Families and Satisfying Marriages”**. Australian Institute of Family Studies, Family Matters, No.53.